

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾

فولادوند: سوگند به خورشید و تابندگی اش

مکارم: به خورشید و گسترش نور آن سوگند!

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴿٢﴾

فولادوند: سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود

مکارم: و به ماه در آن هنگام که بعد از آن در آید

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ﴿٣﴾

فولادوند: سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند

مکارم: و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾

فولادوند: سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد

مکارم: و قسم به شب آن هنگام که صفحه زمین را بپوشاند

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾

فولادوند: سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت

مکارم: و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده.

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾

فولادوند: سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده

مکارم: و قسم به زمین و کسی که آن را گسترانیده.

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾

فولادوند: سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد

مکارم: و سوگند به نفس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته،

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾

فولادوند: سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد
مکارم: سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرده است

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾

فولادوند: که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد
مکارم: که هر کس نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾

فولادوند: و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً درباخت
مکارم: و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾

فولادوند: [قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند
مکارم: قوم ثمود بر اثر طغیان (پیامبرشان را) تکذیب کردند.

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾

فولادوند: آنگاه که شقی‌ترینشان بر[یا] خاست
مکارم: آنگاه که شقی‌ترین آنها بپاخواست.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾

فولادوند: پس فرستاده خدا به آنان گفت زنهار ماده‌شتر خدا و [نوبت] آب‌خوردنش را [حرمت نهید]
مکارم: و فرستاده الهی (صالح) به آنها گفت ناقه خدا را با آب‌شخورش واگذارید (و مزاحم آن نشوید).

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾

فولادوند: و[لی] دروغ‌زنش خواندند و آن [ماده‌شتر] را پی کردند و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد

مکارم: ولی آنها او را تکذیب نمودند و ناقه را پی کردند و به هلاکت رساندند، لذا پروردگارشان آنها را به خاطر گناهی که مرتکب شده بودند در هم کوبید و سرزمینشان را صاف و مسطح نمود!

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

فولادوند: و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد

مکالمه: و او هرگز از فرجام این کار بیم ندارد

